علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، بهار ۱۴۰۵، ص ۲۰۵-۲۱۹

کارکردهای اجتماعی حیا با توجه به مقتضیات عصر حاضر

مهدیه صابرمولایی[۱] / طلعت حسنی[۲] / محمدرضا شاهرودی[۳]

چکیده: حیا به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم تربیت دینی، نقش مؤثری در به‌صحنه‌آوردن کنش‌های اجتماعی دین‌مدار و ایجاد جامعه ی دینی دارد. روایات تربیتی و اخلاقی اسلام بحث گسترده‌ای درباره ی حیا و ایجاد روحیه ی خودکنترلی به منظور رسیدن به سلوک فردی و سبک زندگی دینی داشته است. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شده، به بررسی کارکردهای حیا در دوران معاصر و با توجه به غلبه ی فرهنگ مادی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که روحیه ی خودکنترلیِ حیا همراه با سجایای متصل آن مانند عزت نفس، حفظ کرامت، شرم از ارتکاب گناه، اهتمام به تقوا و دیگر موارد، اثرات مستقیم بر دین‌مدار کردن کنش‌های اجتماعی انسان، رعایت حقوق دیگران، حفظ هویت دینی جامعه، احیای اخلاق و در نهایت با نگه‌داشتن جامعه بر مدار دین، حرکت به سوی تمدن اسلامی خواهد داشت.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۲.

۱. دانشجوی دکتری قرآن و حدیث، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)
۲. دانشیار، دانشکدهٔ الهیات، دانشگاه قم
۳. دانشیار، دانشکدهٔ الهیات، دانشگاه تهران

مقدمه:

حیا به عنوان ملکهٔ نفسانی، یکی از مولفه‌های مهم تربیتی در دین اسلام است که می‌تواند خود کنترلی انسان را تقویت کند. حیاء (ح ی ی) را از إستحیاء می‌دانند که با حیاة هم ریشه می‌باشد (خلیل بن احمد. ۱۴۰۹، ج۳، ص۳۱۶؛ احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج۲، ص۱۲۲)، إستحیاء به معنای زنده نگه داشتن و منع از قتل بیان است که در آیهٔ «یذبحون أبنائکم و یستحیون نساءکم» مورد اشاره است (مصطفی ابراهیم، ۱۹۸۹، ج۱، ص۲۱۳). همچنین «نگهداری نفس از چیزی از ترس ملامت و پشیمانی» (شرطوطی، ۱۴۱۶، ج۱، ص۷۶۰) یا «حفظ نفس از نقص وضعف و هر آنچه باعث سوء و عیب آن است» (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج۲، ص۳۹۵) معنا شده است.

این مولفهٔ اخلاقی را می‌توان با توجه به روایات در دو بعد فردی و اجتماعی بررسی کرد زیرا حیا یک ملکهٔ اخلاقی فردی است که در ارتباط با اجتماع شکل می‌گیرد به این معنا که انسان نسبت به عرف جامعه و آنچه عقل زشت و ناپسند می‌داند حساس باشد. ایمان طبق روایت حضرت علی، خود ثمرهٔ نیروی مهارکننده‌ای به نام حیا است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ص ۵۵۲۷). حیا در ساحت اجتماعی دو کاربرد دارد: اول اینکه انسان مؤمن مواظب عملکرد خود باشد و از دیگران شرم داشته باشد که هر نوع رفتار و اعمالی از او ظاهر شود. دوم اینکه شرم داشته باشد که وحدت رویهٔ اسلامی جامعه را دچار تنش کند، زیرا حفظ جامعهٔ دینی بر عهدهٔ همهٔ آحاد افراد اجتماع است.

در رابطه با اثرات اجتماعی حیا، تحقیقاتی چند موجود است. پژوهش خدیجه احمدی و همکاران با عنوان «تحلیل آثار عفت و حیا بر رفتار و شخصیت اجتماعی با تأکید بر مستندات قرآنی-روایی» بر جایگاه حیا در آیات و روایات، اقسام حیا (از خود، دیگران، خداوند، پیامبر و فرشتگان) و اثرات حیا شامل کرامت نفس، دوری از گناه، عفت و پاکدامنی، محبت خداوند و غیره تمرکز دارد. این مقاله بر اثرات دینی و فردی حیا پرداخته است. «جایگاه حیا در فعالیت اجتماعی زنان از منظر اندیشهٔ اسلامی» از مرضیه پوراصغر بر ضرورت حضور اجتماعی زن و قلمرو آن و آثار حیا در حضور اجتماعی زن شامل کاهش

سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰، بهار ۱۴۰۵

جاذبه‌های جنسی بین زن و مرد، بهداشت روانی فرد و جامعه، نقش حیا در مصونیت و امنیت زنان انجام شده است. این دو مقاله کارکردهای جنسیتی حیا برای زنان را بررسی کرده‌اند و دیگر اینکه به مقتضیات و زمان حاضر کمتر پرداخته شده است. در این پژوهش حیا یک مؤلفۀ فراجنسیتی در نظر گرفته شده و نقش حیا در کنش‌های اجتماعی، رعایت حقوق اجتماعی دیگران، احیای هویت دینی جامعه، احیای اخلاق و در آخر نقش حیا در حرکت به سوی تمدن اسلامی بحث می‌شود.

۱. حیا و کنش‌های اجتماعی دین‌مدار

کنش اجتماعی به معنای هر فعالیت اجتماعی است که از فرد سر می‌زند که اثرات اجتماعی دارد. خانواده به عنوان اجتماع کوچک هم می‌تواند تحت این عنوان مد نظر باشد؛ یعنی هر فعالیتی که فرد در محیط خانواده یا خارج از خانواده و در اجتماع انجام می‌دهد را کنش اجتماعی می‌نامیم. حیا در اجتماع دو مقوله را در بر دارد. یکی اینکه فرد خود را همرنگ جماعت مسلمان کند و کاری خلاف عرف و رویۀ جامعۀ اسلامی انجام ندهد، به‌گونه‌ای که شأن و احترام ایمانی خود را از دست بدهد. از سوی دیگر توجه به اقتضائات جامعۀ دینی یکی از ضروریات اصلی اتخاذ منشی قرین با حیا است. فرد مسلمان باید به تعالی جامعۀ خود بیندیشد و نسبت به ایجاد بددلی بین مسلمانان، یا شیوع فساد اخلاقی و هر رذیلت دیگر حساس باشد.

در مقولۀ اول روایاتی داریم که تأکید دارند شأنیت دینی خود را در مقابل دیدگان مردم حفظ کنید. از آن جمله می‌فرمایند: هر کس از مردم حیا نکند، از خداوند هم حیا ندارد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۷) و یا با حیا باشید تا عیوب شما نزد مردم آشکار نشود (همان) و وجه دینی خود را این‌گونه حفظ کنید.

در مقولۀ دوم بر احساس مسئولیت فرد نسبت به جامعه تأکید می‌شود. اینکه افراد به دلیل غرور و تکبر و یا تفاخرهای جاهلی، وحدت و حیات دینی اجتماع را نشکنند و جامعه را دچار شکست و هزیمت نکنند، در کلام حضرت علی، بارها مورد تأکید قرار گرفته است. از آن جمله حضرت می‌فرمایند مبادا به دلیل خودپسندی و گرفتار شدن در

وسوسه‌های شیطانی به پرتگاه‌های هلاکت فرو افتید که امت‌های سابق هم به دلیل افتادن در تاریکی جهالت نابود شدند (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۵). همچنین می‌فرمایند در صورتی که نسبت به ترویج هواپرستی و تعطیل سنت‌های دینی بی‌توجهی شوید، در این صورت نیکان خوار و بدان قدرتمند می‌شوند و کیفر الهی همه را در بر خواهد گرفت (همان، ص ۲۶۵). پرهیز از ایجاد تشتت در جامعهٔ اسلامی و حیا از انجام اموری که وحدت را دچار خدشه می‌کند، موجب حفظ جامعه می‌شود و این یکی از مصادیق مهم تقوا و حیا و امر به معروف و نهی از منکر است که همه نسبت به خود و دیگران و جامعهٔ دینی مسئول هستند.

حضرت علی همچنین در نامه به مالک اشتر بر حیای کارگزاران تأکید دارند؛ کسانی که باتقوا و پاکیزه و دارای سابقهٔ درخشان باشند. دلیل این انتخاب این است که این افراد در اخلاق گرامی‌تر و آبروی محفوظ‌تر، طمع‌ورزی کمتر و آینده‌نگری بیشتر دارند (همان، ص ۳۵۶). در روایت امام صادق است که از مقتضیات حیا خوش‌گمانی و شرم پیدا کردن از بدبینی است (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، ص ۳۸۰). حیا با بنیان گذاشتن بنای خوش‌گمانی باعث می‌شود استحکام اجتماعی مسلمین بیشتر شود و بدبینی به دلیل اینکه دوری از روحیهٔ جوانمردی است باعث شرمندگی می‌شود. در روایت دیگر از امام صادق هست که می‌فرمایند اگر حیا نبود، مهمان‌پذیری نمی‌شد، به وعده‌ها عمل نمی‌شد و حوائج روا نمی‌شد، زیبایی مورد شگفتی قرار نمی‌گرفت و زشتی منکوب نمی‌شد (مفضل بن عمر، ۱۳۷۹، ص ۷۹). گویی حیا سپر در برابر از هم پاشیدگی جمع مؤمنین است که جامعه را از آسیب حفظ می‌کند.

در مورد کنش اجتماعی به چند مورد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱-۱. کنش در خانواده

اثرات حیا در خانواده به عنوان اجتماع کوچک از همین دست است که به خصوص در سورهٔ نور ابعاد آن توضیح داده شده است. در این سوره به غمض بصر، پرهیز از تبرج، احکام روابط زن و مرد و محرم و نامحرم، روابط خانواده و فامیل، وظایف فرزندان در قبال

والدین و برعکس و احکام مربوط به زنا و اعمال خلاف شرع اشاره شده است (خجسته؛ خرمی‌نسب، ۱۳۹۸، ص ۴۱-۶۷). روش این سوره این است که علاوه بر حفظ خانواده و افراد از آلودگی‌ها، بر لذت زندگی زناشویی و خانوادگی بیفزاید و خانه را محیط امن برای ارضای نیازهای جسمی و نیرو گرفتن برای داخل شدن به اجتماع همراه با عفاف و حیا قرار دهد. حفظ جمع مؤمنانه خود به خود جامعه را از بسیاری آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی مانند از هم پاشیدگی نظام خانواده، افزایش آسیب‌های روانی، گسست نسل‌ها و بی‌توجهی به ارزش‌ها و افزایش ناهنجاری‌های رفتاری دور می‌کند.

۲-۱. کنش در محیط علم‌آموزی

از آداب تعلیم و تعلم شمرده شده است که به مربی و معلم خود احترام کنید و رعایت آداب دانش‌آموزی همراه با حجب و حیا جزء سفارشات دین است. در روایت داریم که شرم نداشته باشید که مقابل پدر و مادر و آموزگار خویش به عنوان احترام برخیزید (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ص ۳۳۸).

در رسالۀ حقوق امام سجاد در باب حقوقی که معلم بر متعلم دارد صحبت بسیار رفته است؛ از جمله اینکه صدا را مقابل او بالا نبرد، مجلس او را محترم بشمارد و درس او را خوب گوش دهد و با دیگران صحبت نکند، پاسخ پرسش دیگران را قبل از معلم خود ندهد و حتی در غیبت معلم هم پاسدار مقام و منزلت او باشد (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۶۰). همۀ این رفتار ناشی از شرم و وقاری است که امام در مقابل معلمی که علم حقیقی می‌آموزد توصیه می‌فرماید. از سوی دیگر در مقابل متعلّم حقوقی بر معلم دارد از جمله اینکه او را به خیر راهنمایی کند و بر او تندی نکند و آنها را تنگ‌دل نسازد (همان، ص ۲۶۱).

از معصوم روایت است که از آفات علما بی‌حیایی و بی‌پروایی در کار زشت است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۲۷۷). شاید به این دلیل که علما الگوی افراد هستند و علم بستری از حلم و بردباری در مقابل دیگران و حیا در مقابل کار غلط نیاز دارد.

۳-۱. کنش‌های جنسیتی

یکی از مواضع اصلی حیا که عموماً به آن توجه می‌شود، مواجه با نامحرم است. در قرآن

هم برای شروع فعالیت اجتماعی صحیح و دور از تحریک، بر عهدهٔ زن گذاشته شده که به گونه‌ای نباشد که مردانی که در دل مرض دارند طمع کنند: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب/۳۲).

همچنین به قرینهٔ تمجیدی که قرآن از طریق معاشرت دختران شعیب در سورهٔ قصص، آیات ۲۴-۲۶، دارد می‌توان بر اهتمام دین بر ارتباطات اجتماعی همراه با عفت و نقش زنان در حفظ این عفت توجه کرد. در روایت است که اسلام برهنه است و لباس آن حیا است و زینت و آرایش آن، وقار و سنگینی است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۶) و حفظ حیا به این معنا بر عهدهٔ زن و مرد گذاشته شده است. در این روایت پوشش کلی اعمال و رفتار و افکار انسان را حیا معرفی کرده است که همهٔ امور انسان باید پوشیده از حیا باشد و به خصوص در مورد زنان فرمودند که حیا نیکوست اما از زنان نیکوتر است (پاینده، ۱۳۲۴، ح ۲۰۰۶) و عفت زینت زن است (همان، ح ۲۰۰۸). رعایت حدود اجتماعی در کنش‌های جنسیتی بدون توجه به سبک پوشش و فرهنگ لباس ممکن نیست؛ رعایت حیا و توجه به پوشش عفیفانه و عدم خودنمایی باید مورد توجه قرار گیرد.

۲. حیا و رعایت حقوق اجتماعی دیگران

بیان شد حیا در بعد فردی به متقی شدن انسان کمک می‌کند، در نتیجه انسان در ابعاد اجتماعی و خانوادگی توجه ویژه به حقوق دیگران از خود نشان خواهد داد تا پارسایی و تقوا را بیش از پیش در اعمال و رفتار خود بروز دهد. در روایت از امام صادق است که می‌فرمایند حیا وسیلهٔ رسیدن به هر زیبایی و نیکی است (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۸۴)، رعایت حقوق دیگران و حسن رفتار هم از حیا سرچشمه می‌گیرد که سبب تکوین جامعهٔ دینی منسجم خواهد بود.

در روایت داریم که مردم عیال‌الله هستند و دوست‌داشتنی‌ترین افراد نزد خداوند کسی است که به عیال‌الله، خانوادهٔ خداوند، بیشتر نفع برساند و آنها را مسرور کند (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۶۴). انسانی که خود را با معارف ناب سیراب نموده هر جا ردی از خداوند می‌بیند نسبت به حضور حق خاضع است، به مردم که خانوادهٔ خدا هستند هم روی خوش نشان

می‌دهد. در واقع حیا باعث می‌شود انسان به خاطر خدا دوستی و دشمنی داشته باشد و با معیار رضایت خدا افعال و اعمالش را بسنجد. روایات فراوانی مبنی بر رعایت حقوق خویشان و حتی همسایگان وارد شده است. از امام صادق هست که می‌فرمایند آیا هر یک از شما حیا نمی‌کنید که همسایه‌اش حقوق او را محترم می‌دارد اما او حقوق همسایه را نمی‌شناسد (همان، ج ۲، ص ۶۵۳). این روایات بر توجه به حقوق دیگران تأکید دارد. انسان در یک نگاه وسیع و دقیق نسبت به اطرافیان مدام متذکر حفظ عالم دینی خود باشد.

مقولۀ حیا به خصوص در جوامع امروزی که سعی در کنترل همه‌جانبۀ شهروندان به وسیلۀ دوربین‌ها و بهره بردن از هوش مصنوعی دارند قابل تأمل است. ایده‌آل حکومت‌ها این است که بتوانند رد پای جرم و جنایت را بعد از وقوع آن بگیرند و در کوتاه‌ترین زمان مجرم را دستگیر کنند و برای این منظور وسایل کنترل و نظارت شهروندان را بسیار گسترده کرده‌اند و با کمک ابزارهای هوشمند و ثبت اثر انگشت و قرنیۀ چشم و دیگر ابزار کنترلی، تا حد ممکن شهروندان را تحت نظارت قرار می‌دهند. علامه طباطبایی بیان می‌کند یکی از معضلات امروز جوامع غربی عدم ضمانت اجرای قوانین است. چه‌بسا قانون‌گذار و مجری قانون و دستگاه قضا تحت فشار باندهای خلافکار قرار گیرد و نتواند به خوبی قانون را تدوین و اجرا و رعایت کند و چه‌بسا اعمال خلاف قانونی انجام گیرد که اصلاً کسی از ارتکاب آن آگاه نشود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۰-۲۱۳). اما دین اسلام وظیفۀ کنترل رفتار و اعمال و حتی افکار را اول بر عهدۀ خود افراد می‌داند. یکی از ابزارهای مؤثر خودکنترلی حیا است که با سجایای همراه آن یعنی عزت نفس، حفظ کرامت، شرم از ارتکاب گناه، اهتمام به تقوا و دیگر موارد، انسان را حتی در خلوت‌ها حفظ می‌کند و به نوعی پیشگیری از انجام گناه را ممکن می‌سازد، چیزی که در جوامع پیشرفته تقریباً برنامه‌ریزی برای آن غیرممکن است.

۳. حیا و حفظ هویت دینی جامعه

هویت اجتماعی ارتباط مستقیم با افکار و باورهای افراد اجتماع دارد، یعنی نگاه فرد و اجتماع را به هستی شامل می‌شود. وقتی جامعه دچار بحران هویت می‌شود که این

جهان‌بینی در معرض تغییر واقع شود و فرهنگ و تمدن غیرخودی در آن رسوخ کند (نجفی، ۱۳۹۲، ص ۲۶). به عنوان مثال در زمان حملهٔ مغول‌ها به ایران، هستهٔ مرکزی فرهنگ ایران آسیب ندید اما پیرامون آن آسیب دید، ولی چون قوم غالب دارای قدرت فرهنگ‌سازی و دانش‌پروری نبود، ایرانیان توانستند به مرور قدرت سیاسی را هم تحت تسلط قدرت فرهنگی خود درآورند (همان، ص ۱۲-۱۵).

اما فرهنگ غرب تلاش می‌کند هستهٔ اصلی فرهنگی جوامع را دگرگون کند تا ایده‌ها و سیاست‌های غربی بتواند به شکل آداب و رسوم در جان مردم جهان رسوخ کند. یعنی در صورتی تفکر جهانی شدن می‌تواند غالب شود که فرهنگ جهانی شدن در جهان ایجاد شود و آن هم ملزم به تضعیف هستهٔ مرکزی هویتی و فرهنگی ملت‌ها است (همان، ص ۱۸-۲۱). جوامع زیادی با رغبت دچار استحالهٔ فرهنگی شدند و به استقبال فرهنگ غرب رفتند زیرا آن را نمودی از پیشرفت و توسعه می‌دانستند. تلاش کشورهای استعماری این بود که فرهنگ غرب‌زده‌ای که در برابر ارزش‌های استعمار منفعل و تسلیم است را در ایران برپا کنند؛ به همین منظور دین‌ستیزی، روحانیت‌ستیزی و ترویج ابتذال و تبعیت از الگوهای مدرنیستی و فرهنگ سکولار اومانیستی مد نظر آنان قرار گرفت (زرشناس، ۱۳۹۴، ص ۱۲-۱۳). ثمرات این تلاش‌ها که نام آن را تهاجم فرهنگی نامیده‌اند، خود را به شکل ترویج ناهنجاری‌های اخلاقی، سست شدن پایه‌های نظام خانواده، ترویج اباحه‌گری و گسترش منکرات نشان داد.

اما با وجود هجوم گستردهٔ فرهنگی غرب بر ایران، باز به عقیدهٔ برخی، هستهٔ سخت هویتی ایرانیان توانسته با این تهاجم مقابله کند و از آن جمله مقاومت‌هایی است که در طول تاریخ مثل قیام تنباکو، مشروطه و مهم‌تر از همه انقلاب اسلامی رخ داده، نشان‌دهندهٔ قوت هستهٔ سخت هویتی ایرانیان است (نجفی، ۱۳۹۲، ص ۲۸). هرچند نقاط پیرامونی هویت ایرانیان دچار صدمه شده اما هویت ایرانیان به این دلیل که دارای لایه‌های گوناگون و قدرتمند است از آسیب مصون مانده است. این لایه‌ها شامل لایهٔ ایران باستان، لایهٔ عربی-اسلامی، لایهٔ شیعی و فلسفی دیالمه، لایهٔ اسلامی-سنی-ترکی، لایهٔ مغولی، لایهٔ شیعی-

صفوی و در آخر هم لایۀ غربی-استعماری است. در بین این لایه‌ها، لایۀ شیعی-صفوی پررنگ‌ترین نقش را در هویت ایرانیان دارد زیرا باعث شد دولت مستقل ملی شکل بگیرد و حاکمیت سیاسی جدید و مذهبی که اکثر مردم از آن حمایت می‌کردند ایجاد شد. این مذهب در این منطقۀ جغرافیایی با فارسی در ترکیب شد و در واقع سه عنصر جغرافیا، زبان فارسی و مذهب شیعه در قالب یک ملت ایجاد شد. این هویت خاص که در همۀ آیین‌ها و آداب ایرانیان حضور پررنگ دارد را در دیگر گروه‌های شیعی نمی‌توان یافت. در واقع می‌توان گفت که تشیع در ایران به صورت‌های پیشین عناصر هویتی ملی، صورت جدیدی بخشیده. در کنار تشیع، هویت اسلامی ایرانیان در طول ۹ قرن، از زمان نفوذ اسلام تا تشکیل صفویه، هم به عنوان عنصر دوم در تشکیل هویت ایرانیان شرکت داشته که اثر آن را در آثار هنرمندان، معماران، ادبا و دانشمندان ایرانی می‌توانیم بیابیم. بعد از دو عنصر تشیع و اسلام، عنصر ضعیف‌تر هویت باستانی ماست که در برخی آداب و رسوم همچنان جلوه‌گر است. بنابراین عناصر هویتی ایرانیان به ترتیب اهمیت و اثرگذاری شامل تشیع، اسلام و هویت باستانی است (همان، ص ۱۹-۳۶).

حیا که در واقع رعایت ادب در محضر الهی و همه‌جا را محضر الهی دیدن است، می‌تواند نقش عمده‌ای در حمایت از هستۀ سخت هویتی ایفا کند. همان‌گونه که گفته شد حیا به معنای پررنگ بودن حضور خداوند است که به نوعی مانع از اثرپذیری‌های شتاب‌زده و هیجانی می‌باشد، در این صورت حیا نقش مؤثری در کنترل قوۀ خیال انسان دارد. می‌دانیم که رسانه و فرهنگ تکنولوژی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تهاجم فرهنگی غرب هستند که بر اثرگذاری بر خیال متمرکز هستند و دائم برای انسان هویت، نیاز، سبک زندگی و بینش خیالی و متأثر از فرهنگ مادی می‌سازند. رعایت آداب الهی و حفظ سلوک دینی با کمک حیا می‌تواند از اثرگذاری تبلیغات فرهنگی بر خیال بکاهد و خودبه‌خود بر تقویت حیا هم اثرگذار باشد. یعنی در واقع آداب و سلوک دینی در مقابل تهاجم فرهنگی رابطه‌های متقابل خواهند داشت و هر یک دیگری را تقویت می‌کند.

در روایت است که از این امت هیچ‌گاه ادای امانت و حیا برداشته نمی‌شود (قضائی،

۱۳۶۱، ص ۱۱). این مطلب می‌رساند که تحت هر جغرافیا و هویتی، روحیهٔ ادب از حضور الهی و حیا را باید حفظ کرد اما برخی فکر و فرهنگ‌ها باعث می‌شود هویتی ضدحیا برای امت ساخته شود و می‌شود که یک امت بی‌حیا باشند کما اینکه در تاریخ کوفیان مردمانی بی‌حیا خوانده شدند زیرا با امام خود همراه نبودند (خصیبی، ۱۴۱۹، ص ۱۵). حیا پشتیبان قوی برای هویت ایرانیان در آن سه لایه‌ای که برشمردیم خواهد بود و می‌تواند مانع بزرگی در مقابل تغییر هویت و تهاجم فرهنگی باشد.

۴. حیا و احیای اخلاق

اخلاق در ارتباط با انسان و روابط او با دیگران تعریف می‌شود و به معنای منش و خلق و خوی فرد است. در غرب اخلاقی خاص به وجود آمده گویی انسان غربی به ازای پیشرفت‌های فوق‌العاده، قسمتی از وجود خود را از دست داده است. انسان جدید به توانمندی و کمال در مصرف و تصرف در عالم رسیده است به اندازه‌ای که تکنولوژی او را توانمند کرده است. علم که تکنولوژی را فراهم آورده مطیع اخلاق نیست و اخلاق از علم و سیاست جدا شده و اخلاق به وجدان‌های فردی و شخصی واگذار شده است (داوری اردکانی، ۱۳۹۹، ص ۶۲-۶۳). در واقع تکنولوژی و علم جدید برای پیشرفت و حرکت رو به جلو، لازم بود که اخلاق را کنار بگذارند و انسان نه در بعد اجتماعی، که فقط در ابعاد فردی رعایت اخلاق کند که آن اخلاق هم نه مبتنی بر دین و حقیقت عالم، بلکه مبتنی بر نیازهای جامعهٔ مبتنی بر فرهنگ مادی بود. در واقع اگر بخواهد سخنی هم از اخلاق باشد فضیلت را در پیروی کردن از علم و تکنولوژی و زندگی مبتنی بر اقتضائات زمان می‌داند. در حالی که اخلاق پیروی از خرد جمعی است که ناظر به خیر باشد اما این پرسش که خیر چیست امروز مورد توجه نیست یا به آن کاری ندارند یا آن را صرفاً در مصلحت‌های خصوصی و جمعی می‌بینند (همان، ص ۶۴).

در مقابل برای احیای سبک زندگی دینی، با تذکر به نظام معرفتی اسلام یعنی معرفت نسبت به خداوند و واقعیت انسان، بستر ایجاد حیا به صورت اجتماعی را می‌توان فراهم کرد و حیا می‌تواند بنیاد اخلاق اسلامی را پایه‌ریزی کند. روشن است که جامعهٔ اسلامی

بدون حیا قوام نمی‌یابد و اصل قوام آن به اخلاق اسلامی است که در افراد ملکه می‌شود و حیا می‌تواند در تثبیت و ملکه شدن، بهترین یاور باشد.

۵. حیا و حرکت به سوی تمدن اسلامی

تمدن به عنوان بزرگ‌ترین ساختهٔ بشری تعریف می‌شود که وقتی ایجاد می‌شود که مردم در یک اجتماع از دغدغه‌های اولیهٔ زندگی یعنی خوراک و پوشاک و مسکن فارغ شده باشند و دارای فرهنگی باشند که توانمندی تمدن‌سازی داشته باشند (نجفی، ۱۳۹۶، ص۲۱). فرهنگ در واقع همان نظام معرفتی جامعه است که ارزش‌های آن را تعریف می‌کند و خود را به صورت مجموعه‌ای از نمادها، مناسک و آداب نشان می‌دهد. اسلام دارای نظام فرهنگی خاص خود است و در جای خود ثابت شده که چارچوب فرهنگی اسلام قابلیت ایجاد تمدن و پاسخگویی به نیازهای معرفت‌شناسانهٔ انسان را دارد.

تمدن یک فرایند مرحله‌به‌مرحله و طویل‌المدت است؛ بنابراین یکی از اصول مورد نیاز جامعه برای رسیدن به تمدن حفظ و نگهداری جمعیت انسان‌ها حول نظام ارزشی و معرفتی خود است. این موضوع در زمانهٔ حاضر بعد از اینکه مرحلهٔ نظام‌سازی اسلامی در کشور ما انجام گرفته است می‌تواند مد نظر باشد. بعد از مرحلهٔ نظام اسلامی، دولت اسلامی و جامعهٔ اسلامی است تا در نهایت به تمدن اسلامی برسیم.[1] مسیر نظام اسلامی تا تمدن اسلامی بدون حفظ جامعهٔ دینی طی نخواهد شد. اسلام برای حفظ اجتماع راهکارهایی ارائه کرده است از آن جمله: حیا، دوری از بدعت‌گذاری امر ناپسند در جامعه، بِرّ به اخوان، اصلاح ذات بین و یکی از مهم‌ترین این موارد امر به معروف و نهی از منکر است.

در امر به معروف و نهی از منکر فرد نسبت به رفتار دیگران حساسیت دارد و در حیا به رفتار خود در خلوت و جلوت توجه دارد. در واقع می‌توان گفت حیا مقدمهٔ امر به معروف و نهی از منکر است زیرا انسان اول باید نسبت به کردار و افکار خود احساس مسئولیت داشته باشد و در مرحلهٔ دوم برای حفظ یکپارچگی جامعه، نسبت به کردار افراد جامعه

1. https: //farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673

دقت نظر داشته باشد. اسلام قوانین خود را بر اساس مراعات جانب عقل وضع نموده زیرا جبلت فطرت و عقل بر پیروی از حق است و نظام اسلامی با تربیت و تهذیب اخلاقی، ضمانت اجرای قوانینش را به عهدهٔ فرد و جامعه قرار داده است در حالی که غرب نظام حکومت خود را بر اساس رأی اکثریت قرار داد چه حق باشد چه باطل. از آنجا که هدف تمدن غرب حداکثر بهره‌برداری مادی است واضح است که زندگی مادی برای انسان پررنگ می‌شود و طبع او هم مایل به همین طرف می‌شود و میل اکثریت جامعه بر پیروی از هوا و هوس قرار می‌گیرد؛ بنابراین قواعدی که وضع می‌کند فقط در بُعد اعمال ضمانت اجرا می‌تواند داشته باشد و در بعد اعتقاد و اخلاق ضمانتی ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۵۸-۱۶۱).

حفظ اعتقاد و اخلاق در اسلام توسط حیا انجام می‌شود که دلیل اصلی حسابرسی و کنترل بر اعمال و افکار فردی است. در زمینهٔ توجه به اعمال دیگران هم امر به معروف و نهی از منکر راهگشا می‌باشد. این مؤلفه‌های دینی اساس قانون‌گذاری و ضمانت اجرای قوانین در اسلام است. زیرا جوامع یا به دلیل اعمال دیکتاتوری و تسلط بر جامعه و اعمال جریمه‌های سخت، اجرای قوانین را تضمین می‌کند و یا با تلقین و آموزش بسیار از سنین کودکی افراد را نسبت به قانون مطیع می‌سازد و قانون را تبدیل به یک هنجار می‌کند به نحوی که کار غیرقانونی ضد ارزش تلقی شود. اما راهبرد اسلام سپردن اختیار به انسان‌ها و فراهم آوردن آزادی عمل است تا افراد بعد از اینکه به لحاظ عقلی مجاب شدند خیر و عمل صالح را انتخاب کنند (همان، ج ۲، ص ۱۷۸-۱۷۹). اسلام به دلیل این مؤلفه‌های اخلاقی مانند حیا، تقوا و امر به معروف و نهی از منکر بوده که به انسان‌ها آزادی عمل و انتخاب و عقیده داده است. زیرا توجه به وحدت جامعهٔ اسلامی و حیای از ایجاد پراکندگی باعث می‌شود افراد از اشاعهٔ حرف و عمل ناصواب خودداری کنند و همین خودکنترلی هزینه‌های حفظ جامعه را به میزان زیادی کاهش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

حیا به عنوان یکی از مؤلفه‌های اخلاقی اسلام دارای اثرات اجتماعی است زیرا عمدتاً

سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰، بهار ۱۴۰۵

حیا در ارتباط با رفتارهای اجتماعی انسان تعریف شده است. اسلام از انسان مؤمن می‌خواهد همۀ کنش‌های اجتماعی خود را مقرون با حیا قرار دهد. چند نمونۀ کنش‌های اجتماعی که در روایات به آن اشاره شده کنش در خانواده و محیط علم‌آموزی و کنش‌ها در مقابل جنس مخالف است که در این موارد روایاتی داریم تا حرمت‌های افراد در آن حفظ شود و محیط ارضای نیازهای جنسی از محیط کار و مشغله و تحصیل علم جدا شود. نقش دیگر حیا در حفظ حقوق دیگران است زیرا افراد جامعه بر گردن هم حقوقی دارند و با منش حیا و شرم از پروردگار است که انسان در خلوت و جلوت حقوق دیگران را پاس می‌دارد.

نقش دیگر حیا در تجدید هویت مذهبی کشور ماست. به دلیل رسوخ هویتی تشیع و اسلام در لایه‌های زیرین هویتی ملت ما، حتی بعد از تهاجم فرهنگ‌های دیگر و نفوذ ضدفرهنگ‌های گوناگون، باز روحیۀ دینی مردم به طور کلی محفوظ مانده است و زندگی دینی از علاقه‌مندی‌های ملت ماست. نقش دیگر حیا احیای اخلاق دینی است. غرب اخلاق را بر اساس منفعت اجتماعی و وجدان فردی تعریف کرده است. حیا می‌تواند اخلاق را از محدودۀ وجدان فردی به وسعت اجتماع بکشاند و آن را بر مبنای حقیقت و واقعیت تعریف دوباره کند.

حفظ انسجام دینی مؤثرترین قدم برای سیر جامعه به سوی تمدن اسلامی است و صبر بر این انسجام مهم‌ترین وظیفۀ افراد برای شکل‌گیری تمدن متناسب با فرهنگ اسلامی و مبتنی بر نظام ارزش دینی است. نقش حیا بر فرد و اجتماع، و تکمیل سجایای اخلاقی فردی و تقویت منش دینی در اجتماع می‌تواند حرکتی مؤثر در نگهداری از جامعۀ دینی و حرکت به سوی تمدن اسلامی باشد.

منابع

آقاجمال خوانساری، محمدبن حسین. **شرح غرر الحکم و درر الکلم**. دانشگاه تهران. موسسه انتشار و چاپ. ۱۳۶۶

إبن شعبه حرانی. **تحف العقول**. قم. جامعه مدرسین. چاپ دوم. ۱۳۶۳.

احمد بن فارس. **معجم مقاييس اللغة**. قم. مكتب الإعلام الإسلامي. ۱۴۰۴ ق.

تمیمی الآمدی، عبدالواحد بن محمد. **غرر الحکم و درر الکلم**. قم. دارالکتب. ۱۴۱۰ ق

پاینده، ابوالقاسم. **نهج الفصاحة**. تهران. دنیای دانش. اول ۱۳۲۴.

زرشناس، شهریار. **نئولیبرالیسم ایرانی و تهاجم فرهنگی**. قم. دفتر نشر معارف. ۱۳۹۴.

خجسته، نجمه؛ خرمی نسب، الهام. **شیوه‌های ترویج حیا با محوریت سورهٔ نور**. فصلنامهٔ علمی ترویجی در حوزهٔ اخلاق. شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۸. صص ۴۱-۶۷

خصیبی، حسین بن حمدان. **هدایةالکبری**. بیروت. البلاغ. ۱۴۱۶ ق.

داوری اردکانی، رضا. **اخلاق در شرایط کنونی و شرایط اخلاقی پیشرفت و اعتلای علوم انسانی**. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۹۹.

شرطوطی، سعید. **أقرب الموارد في فصح العربية و الشوارد**. منظمة الأوقاف و الشؤون الخيرية. دار الأسود للطبعة و النشر. تهران. ۱۴۱۶ ق

شريف الرضي، محمدحسين. **نهج البلاغه**. ترجمه محمد دشتی. قم. مشهور. ۱۳۷۹.

قضائی، محمد بن سلامة. **شهاب الأخبار**. ترجمه و شرح: حسینی ارومی، جلال‌الدین. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۱.

کلینی، محمد بن یعقوب. **الكافي**، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.

مصطفی ابراهیم. **معجم الوسيط**. ترکیه. استانبول. دار الدعوة. ۱۹۸۹ م.

مصطفوی، حسن. **التحقیق**. تهران. مرکز نشر آثار علامه مصطفوی. ۱۳۹۳ ق.

مفضل بن عمر. **توحید مفضل**. ترجمه محمدباقر مجلسی. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۷۹.

منسوب به جعفر بن محمد. **مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة**. ترجمه حسن مصطفوی. انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران. ۱۳۶۰.

طباطبایی، سید محمدحسین. **الميزان في تفسير قرآن**. ترجمه محمدباقر موسوی. قم. دفتر انتشارات اسلامی. ۱۳۷۴.

ملاأحمد فراهیدی. **العین**. موسسه دارالهجرة قم. ۱۴۰۹ ق.

منسوب به جعفر بن محمد. **مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة**. ترجمه حسن مصطفوی. انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران. ۱۳۶۰.

نجفی، موسی، **تمدن رضوی**، اصفهان، آرما، چاپ اول، ۱۳۹۶

----------. **هویت شناسی**. اصفهان، آرما، چاپ سوم، ۱۳۹۲.

(منابع بهتر:)

إبن شعبه حرانی. **تحف العقول**. قم: جامعه مدرسین، چ۲، ۱۳۶۳ش.

احمد بن فارس. **معجم مقاييس اللغة**. قم: مكتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۰۴ق.

آقاجمال خوانساری، محمدبن حسین. **شرح غرر الحکم و درر الکلم**. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشار و چاپ، ۱۳۶۶ش.

تمیمی الآمدی، عبدالواحد بن محمد. **غرر الحکم و درر الکلم**. قم: دارالکتب، ۱۴۱۰ق.

خجسته، نجمه؛ خرمی‌نسب، الهام. **شیوه‌های ترویج حیا با محوریت سوره نور**. فصلنامه علمی-ترویجی در حوزه اخلاق، ش۳۳، بهار ۱۳۹۸ش، صص۴۱-۶۷.

خصیبی، حسین بن حمدان. **هدایةالکبری**. بیروت: البلاغ، ۱۴۱۶ق.

داوری اردکانی، رضا. **اخلاق در شرایط کنونی و شرایط اخلاقی پیشرفت و اعتلای علوم انسانی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹ش.

شرطوطی، سعید. **أقرب الموارد في فصح العربية و الشوارد**. تهران: منظمة الأوقاف و الشؤون الخيرية، دار الأسود للطبعة و النشر، ۱۴۱۶ق.

شريف الرضي، محمدحسين. **نهج البلاغه** (ترجمه محمد دشتی). قم: مشهور، ۱۳۷۹ش.

زرشناس، شهریار. **نئولیبرالیسم ایرانی و تهاجم فرهنگی**. قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴ش.

قضائی، محمد بن سلامة. **شهاب الأخبار**(ترجمه و شرح: حسینی ارومی، جلال‌الدین). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش.

کلینی، محمد بن یعقوب. **الكافي**. تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.

مفضل بن عمر. **توحید مفضل** (ترجمه محمدباقر مجلسی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ش.

مصطفی ابراهیم. **معجم الوسيط**. استانبول: دار الدعوة، ۱۹۸۹م.

مصطفوی، حسن. **التحقيق**. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۹۳ق.

ملاأحمد فراهیدی. **العين**. قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.

منسوب به جعفر بن محمد. **مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة** (ترجمه حسن مصطفوی). تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ش.

نجفی، موسی. **تمدن رضوی**. اصفهان: آرما، چ۱، ۱۳۹۶ش.

نجفی، موسی. **هویت‌شناسی**. اصفهان: آرما، چ۳، ۱۳۹۲ش.

پاینده، ابوالقاسم. **نهج الفصاحة**. تهران: دنیای دانش، چ۱، ۱۳۲۴ش.

طباطبایی، سید محمدحسین. **الميزان في تفسير قرآن** (ترجمه محمدباقر موسوی). قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.